

ادامه مطلب سقوط «شرکت آمریکا» ...

از صفحه ۲۱

لیندون یانسون پیوست. اما در دوران حکومت جورج دبلیو بوش نیز به پیروان جمهوریخواهان پیوستند. دلیل آنها برای رای دادن به جمهوریخواهان برتری دادن مسائل فرهنگی نظیر مذهب، وطن پرستی، ارزشهای خانوادگی و مالکیت اسلحه بر مسائل اقتصادی است. این گروه از رای دهندگان هستند که در مورد انتخابات ماه نوامبر نیز داوری خواهند کرد و این داوری نه بدلیل تمرکز آنها در تعداد کمی از ایالتهای سرنوشت ساز نظیر اوهایو و پنسیلوانیاست. آیا آنها بسوی اوباما متمایل خواهند شد که در ایالتی دورتر یسر می برد و فارغ التحصیل هاروارد است و منافع اقتصادی آنها را با دقت بیشتری انعکاس می دهد؟ و یا در کنار افرادی مثل مک کین و سارا پالین قرار خواهند گرفت که شناخت بیشتری نسبت به آنها دارند؟ بر سر قدرت آوردن یک دولت دموکرات در سالهای ۱۹۳۱-۱۹۲۹ وقوع بحران اقتصادی با ابعاد عظیمی را بهمرهه داشت. نتایج نظرسنجی ها حاکی از آن است که شاید دوباره به همان نقطه در اکتبر ۲۰۰۸ رسیده باشیم. بخش دیگری از بدنامی آمریکا که موجب انتقاد شده است، بخش مربوط به دموکراسی و تمایل ایالات متحده به حمایت از دیگر دولتهای دموکراسی سراسر جهان می باشد. این ویژگی آرمان گرایانه در سیاست خارجی ایالات متحده در طول سده گذشته، یعنی از شروع اتحادیه ملل وودرو ویلسون (Woodrow Wilson) تا پایان دوره آزادبهای چهارگانه دولت روزولت و دوره دعوت ریگان از میخائیل گورباچف برای «فرو کوبیدن این دیوار» در سیاست خارجی ایالات متحده بطور ثابت حضور داشته است. ترویج دموکراسی از طریق دیپلماسی، کمک به گروه های جامعه شهری، آزادی رسانه ها و مواردی از این قبیل هیچگاه بحث آفرین نبوده است. مسئله فعلی این است که دولت بوش برای توجیه جنگ عراق، با استفاده از دموکراسی به بسیاری از مردم دنیا نشان داد که «دموکراسی» کلمه رمز تهاجم نظامی و تغییر حکومتها است. (هرج و مرج بوجود آمده در عراق حتی به ارائه تصویر درستی از دموکراسی نیز کمک نکرد.) خاورمیانه بخصوص از آنجائیکه آمریکا از هم پیمانان غیردموکرات نظیر عربستان سعودی حمایت کرده و از همکاری با گروههایی نظیر حماس و حزب الله که با استفاده از انتخابات به قدرت رسیده اند خودداری میکند، تبدیل به میدانی از مین برای هر دولت آمریکائی شده است. هنگامیکه به دفاع از «برنامه کاری آزادی» می پردازیم، آشفترها هم شایسته اعتماد نیستیم.

این الگوی آمریکائی در عین حال بدلیل استفاده از شکنجه در دولت بوش، بگونه ای جدی خدشه دار شده است. پس از واقعه یازده سپتامبر آمریکائیها با درماندگی ثابت کردند که بخاطر حفظ امنیت حاضر به چشم پوشی از حمایتهای قانون اساسی هستند. خلیج گوانتانامو و زندانی باشلق دار در ابوغریب از آن موقع تا کنون جایگزین مجسمه آزادی شده و بعنوان سمبلی از آمریکا در چشم بسیاری از مردم غیرآمریکائی جای گرفته است. صرف نظر از اینکه چه کسی برنده انتخابات تا ماه آینده خواهد بود، انتقال به دوران جدیدی از زندگی و سیاستهای جهانی برای مردم آمریکا شروع خواهد شد. انتظار می رود که دموکراتها حضور اعضای خود در کاخ سفید و مجلس سنارا به حداکثر برسانند. خشم و عصبانیت حزب پایبولیست یا توده گرا همزمان با پیشروی فروپاشی وال استریت به سمت مابین استریت رو به افزایش است. حالا دیگر همگان بر روی نیاز به قانونمندی بخشهایی از اقتصاد اتفاق نظر دارند. از نقطه نظر جهانی ایالات متحده از موقعیت مسلطی که تاکنون از آن برخوردار بوده است، بهره ای نخواهد برد و این همان چیزی است که با تهاجم ۷ اوت روسیه به ایالت گرجستان مورد تأکید قرار گرفت. قدرت آمریکا و بهمان نسبت منابع مالی آمریکا در شکل دهی اقتصاد جهانی از طریق معاهدات تجاری، IMF و بانک جهانی رو به کاهش خواهد رفت. و ایده ها، مصلحت اندیشی ها و حتی کمکهای آمریکا در بسیاری از نقاط دنیا کمتر از زمان فعلی مورد استقبال قرار خواهد گرفت. تحت چنین شرایطی، کدام نامزد انتخاباتی بهترین موقعیت را برای احیای مجدد نام و نشان آمریکا در اختیار دارد؟ روشن است که باراک اوباما با توجه به سابقه اخیر خود توشه کمی در اختیار دارد و روش کار او که به دوران پس از پارتیزانها تعلق دارد، وری تقسیمات سیاسی آموزشی قرار می گیرد. او قلباً یک انسان واقع گرا و نه یک انسان آرمان گراست. اما بهنگام انتخاب گزینه های دشوار، مهارتهای مبتنی براتفاق نظر او بشدت تحت آزمایش قرار خواهد گرفت و نه تنها جمهوریخواهان که بلکه دموکراتهای لگام ناپذیررا نیز بزانو در خواهد آورد. مک کین نیز بسهم خود، در هفته های اخیر مانند تدی روزولت صحبت کرده است و ضمن خرده گیری از فروپاشی وال استریت، برای رئیس SEC (اداره کل اوراق بهادار و داد و ستد- Securities and Exchange Commission) یعنی کریس کاکس سخن پرآکنی می کند. شاید او تنها جمهوریخواهی باشد که بتواند حزب خود را بضرر لگد و فریاد به دوره پس از دوران ریگان بازگرداند. اما اینگونه احساس می شود که او هنوز تصمیم خود را بطور کامل برای اینکه چگونه جمهوریخواهی باشد و یا چه اصولی برای تعریف آمریکای جدید بکار ببندد، نگرفته است. نفوذ آمریکا دوباره و بناگزیر بحالت اول باز خواهد گشت. از آنجائیکه احتمال دچار شدن جهان بعنوان یک جامعه واحد به حالتی از کساد اقتصادی می رود، در نتیجه مشخص نیست که کدامیک از دو الگوی روسی یا چینی بهتر از نسخه آمریکائی آن مورد ارزیابی و بکار گرفته شود. ایالات متحده با تکیه بر سازهایی پدیری و انعطاف پذیری مردم از پس روی های خطرناک دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۷۰ بازگشته است. با این وجود، رجعت دیگری بر توانائی ما سایه انداخته است تا بعضی تغییرات اصولی را موجب شود.

ابتدا، باید از روپوشی بازدارنده (که بر تن دیوانه های خطرناک و غیره می کنند و جلوی حرکت دست و بازوی آنان را می گیرد) مربوط به مالیات و مقررات که مربوط به دوران ریگان می باشد خلاصی یافت. قطع اخذ مالیات کار خوبی بنظر می رسد اما الزاماً بمعنای تشدید روند رشد یا پرداخت به خود مردم نخواهد بود. با در نظر گرفتن موقعیت مالی خود در دراز مدت چاره ای نیست جز این که با مردم صادق بوده و به آنها بگوئیم که مجبورند سهم خود را در آینده بپردازند. قانون زدائی یا شکست قانونگذاران در هماهنگی با بازارهایی که بسرعت در حال پیشرفت هستند، می تواند همانطور که شاهد بوده ایم بگونه ای باور نکردنی پرهزینه باشد. کلیه بخشهای عمومی کشور آمریکا که با کمسود بودجه، کمسود مشاغل و مشکلات اخلاقی دست به گریبان هستند نیاز به بازسازی دوباره و دستیابی به حس تازه ای از غرور و سربلندی دارند. کارهای خصوصی هست که فقط خود دولت می تواند از عهده انجام آن بر بیاید. البته در عین حالیکه دست به ایجاد این تحولات میزنیم، با خطر زیاده روی در اعمال اصلاحات نیز مواجه می باشیم. سازمانهای مالی نیاز به نظارت شدید و دقیق دارند، اما مشخص نیست که بخشهای دیگر اقتصاد نیز از چنین نظارتی برخوردار باشند. تجارت آزاد بصورت یک موتور قدرتمند برای رشد اقتصادی و همینطور ابزاری در دیپلماسی ایالات متحده باقی خواهد ماند.

باید همکاری بهتری با طبقه کارگر داشته باشیم تا بجای آنکه تنها به دفاع از مشاغل خود مشغول باشند، به اصلحاحتی در جهت تغییر شرایط جهانی بپردازند. وقتی قطع اخذ مالیات راهی برای شکوفائی خود کار نیست، پس بمعنای ریخت و ریز بی قید و بند اجتماعی نیز نمی تواند باشد. هزینه کمکهای مالی دولت و ضعف درازمدت ارزش دلار بمعنای آنست که تورم تهدیدی جدی برای آینده بشمار

اخبار روز:www.akhbar-rooz.com
به گزارش خبرگزاری روسی نووستی در این سند راهبردی که در روزنامه واشنگتن پست منتشر شده، چنین آمده است: گروه ویژه آمریکایی پیرامون ساخت سلاح هسته ای در ایران، اصولی برای رویکرد رئیس جمهور آتی این کشور در رابطه با ایران را پیشنهاد داده است که در این گتمه می شود: اولین و فوری ترین مشکل در زمینه امنیت ملی برای رئیس جمهور جدید آمریکا مسئله ایران خواهد بود که در آینده می تواند به سلاح هسته ای دست یابد. ما روسای گروه ویژه پیرامون ساخت سلاح هسته ای در ایران که چندی پیش کار خود را پایان داد، به این نتیجه رسیده ایم که اساس سیاست معقول و همه جانبه از سوی هر دو حزب آمریکا در رابطه با تهران، باید پنج اصل باشد که در زیر آمده اند:

اصل اول: دستیابی جمهوری اسلامی ایران په امکان ساخت سلاح هسته ای از نظر استراتژیک کاملاً غیر قابل قبول است. این تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا، صلح و ثبات منطقه ای، امنیت انرژی، کارایی اصل روابط چند جانبه و نیز رژیم قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای (ان پی تی) است. بدترین سناریو در این راستا، حمله هسته ای از سوی ایران است، اما ایران نیازی نخواهد داشت که از توان هسته ای خود برای تهدید منافع آمریکا استفاده کند. در حقیقت ایران تنها با فراهم آوردن ملزومات ساخت سریع ذخایر هسته ای، به امکان بازدارندگی دست می یابد که به شکلی محرز نفوذ آن را بر عراق و کلاً بر منطقه افزایش می دهد. ما خواستار همکاری با ایرانی دمکرات هستیم، اما حکم فرمای رژیم دین سالار و رادیکالی که از تروریسم در خاور نزدیک حمایت می کند مجاز نیست.

اصل دوم: ما معتقدیم که تنها گزینه قابل قبول توقف کامل کار در زمینه غنی سازی اورانیوم در خاک ایران می باشد. ما ضمانت کافی نداریم که ایران مواد لازم برای ساخت سلاح هسته ای را تولید نکند. در حقیقت، مرکز غنی سازی اورانیوم در نطنز امکان فنی برای این کار را دارا است. به محض این که ایران به مقدار کافی اورانیوم با در صدی غنی سازی پایین دست یابد، میتواند طی چهار هفته اورانیوم با در صد بالای غنی سازی تولید کند که بتواند مهمات هسته ای بسازد. در چنین مدتی بازرسین بین المللی فرصت نمی کنند که تولید اورانیوم را تشخیص دهند. سپس، شورای امنیت سازمان ملل متحد سه بار فرا خواند که کار غنی سازی اورانیوم در ایران متوقف شود، اما آژانس بین المللی انرژی اتمی نتیجه گیری کرد که ایران به شرایط مندرج در (ان پی تی) عمل نمی کند. ناتوانی در وادار سازی ایران به رعایت مطالبات جامعه جهانی می تواند ضربه ای مهلک به رژیم حقوقی بین المللی باشد.

اصل سوم: هر چند که راه حل دیپلماتیک هنوز قابل استفاده است، اما موفقیت در اجرای آن را در صورتی حاصل می شود که از موضع زور مذاکره کنیم. برای این نیاز به هماهنگی مشخص تر با شرکاء بین المللی ما و نیز تحریم هایی بسیار سختگیرانه تر است. اگر متفقین

می رود و یک سیاست مالی سهل انگارانه نیز براحتی به مشکل اضافه می شود. و در حالیکه عده قلیلی از مردم غیر آمریکائی تمایل به شنیدن مصلحت اندیشی های ما دارند، بسیاری دیگر نیز هنوز هم از سرمشق قرار دادن جنبه بخصوصی از الگوی دوران ریگان سود می برند. و البته نه از سیاست قانون زدائی بازار مالی. اما در قاره اروپا، کارگران هنوز از تعطیلات طولانی، ساعات کاری کم در هفته، تضمین شغلی و انبوهی دیگر از مزایا برخوردارند که این مسئله ابتکار و سازندگی آنها را تضعیف کرده و از نقطه نظر مالی نیز یک عامل پشتیبان نخواهد بود. واکنش اصلاح نشده نسبت به بحران وال استریت نشان می دهد که بزرگترین تغییرات را باید در سیاستهای خود اعمال کنیم. انقلاب ریگان به تسلط پنجاه ساله لیبرالها و دموکراتها در سیاستهای آمریکا خاتمه داد و فضا را برای استفاده از شیوه های متفاوتی در حل مسائل آن زمان آماده ساخت. اما با گذشت زمان، آن ایده های تازه و نوآورانه تبدیل به اصولی خشک، کهنه و تعصب آمیز شده اند. کیفیت بحث و گفتمان توسط پارتیزانها که نه تنها ایده ها بلکه انگیزه های مخالفان خود را نیز زیر سوال میبرند، با بی ادبی و بی نزاکتی در آمیخته است. تمامی این موارد شرایط را برای سازگاری و مواجه شدن با واقعتهای بغرنج و تازه مشکل کرده است. بنابراین شیوه نهائی برای آزمایش کردن الگوی آمریکائی محک زدن توانائی آن در نوآفرینی و تازه اندیشی دوباره است. نیکنامی به معنای نقل قول سخنان یک نامزد ریاست جمهوری نیست، چرا که اینکار بمثابة رژ زدن بر لبهای خوک است. نیکنامی برخورداری از یک محصول درست و مناسب برای فروش در اولین بازار است که دموکراسی آمریکائی کاری در اینمورد نتوانست بکند. این مقاله در شماره ۱۳ اکتبر- ۲۲ مهر- نیوزویک منتشر شده است. منبع: سایت «الف»

ادامه مطلب از مذاکره تا حمله... از صفحه اول

ما در اروپا روابط تجاری خود را با ایران قطع نکنند مذاکرات با ایران موثر نخواهد بود. علاوه بر این، ایجاد ائتلاف مهم است تا اهرم های اعمال فشار بر ایران را افزایش داد. برای این باید همه راه های گریز را بسته و به استفاده از ابزارهایی نیرومند تر روی آورد، همانند بخش ۳۱۱ قانون مبارزه با تروریسم، تا بانک های ایرانی به طور کامل از دسترسی به نظام مالی آمریکا محروم شوند. اگر به لطف یک چنین استراتژی بتوان ایران را پشت میز مذاکرات بازگرداند، ایالات متحده و متفقین باید چار چوبی زمانی برای برگزاری مذاکره تعیین کنند. در غیر این صورت ایرانی ها تلاش خواهند کرد که مذاکرات را به درازا کشانده و از این فرصت برای ساخت سلاح هسته ای استفاده کنند.

اصل چهارم: برای اینکه اسرائیل مجبور به اقدامات یک جانبه نشود، رئیس جمهور باید به اورشلیم اطمینان خاطر دهد که ایالات متحده آمریکا اجازه نمی دهد که ایران به قدرتی هسته ای تبدیل شود.

اصل پنجم: هر چند که سناریوی آغاز عملیات نظامی علیه ایران همانند سابق ممکن می باشد، اما این باید آخرین وسیله باشد. اگر تمامی تلاش ها دچار ناکامی شوند رئیس جمهور جدید مجبور خواهد شد که به دقت ریسک شکست در عملیات جلوگیری از تحقق برنامه هسته ای ایران را بسنجد و آن را هم ردیف با ریسک حمله نظامی قرار دهد. ارتش آمریکا می تواند ضربه ای مهلک به زیر ساخت های هسته ای و نظامی ایران وارد کند و در عین حال به نتایجی دست یابد که مقامات ایران حتی نمی توانند حدس بزنند.

حمله هوایی می تواند چندین هفته ادامه پیدا کند، اما پس از آن، ما سال هایی طولانی باید بسیار هوشیار باشیم. عملیات نظامی ریسکی بسیار را به دنبال دارد، از جمله تلفات در بین نظامیان آمریکایی و متفقین آنها اقدامات تروریستی در پاسخ علیه اسرائیل و سایر کشورها و بی ثبات شدن منطقه برای تشدید تاثیر گذاری بر ایران و آماده سازی حمله نظامی در صورت ضرورت، رئیس جمهور آتی باید از همان روز اول یگان های نظامی ما را در منطقه افزایش دهد. همه اعزای گروه های اجتماعی که در مرکز تحلیلی Bipartisan Policy Center گرد هم آمدند، از این اصول حمایت می کنند. این گروه که در ترکیب آن مقامات عالیرتبه از احزاب دمکرات و جمهوری خواه، ژنرال ها و دریاسالاران های بانفشتسته و نیز کارشناسان در زمینه منع گسترش سلاح هسته ای و بازارهای سوختی حضور دارند، برنامه ای مشخص برای ایجاد سازشی پایدار در بین هر دو حزب را با هدف تدوین سیاست موثر آمریکا در رابطه با ایران پیشنهاد می دهد. بسیار مهم است که بلافاصله پس از انتخابات در کنگره و انتخابات، رئیس جمهور آغاز به تنظیم تدابیر دشوار سیاسی کند که بسیار ضروری هستند، البته اگر آمریکا قصد دارد که از تبدیل ایران به قدرتی هسته ای جلوگیری کند آنطور که بسیاری فکر می کنند، زمان چندانی باقی نمانده است، از این رو ناموفقی در این راه می تواند پیامد هایی فاجعه آمیز برای منافع ملی ما داشته باشد.

برای درج آگهی در کتاب

یلوچج ایرانیان شمال کالیفرنیا سال ۲۰۰۹

با «پژواک» تماس بگیرید.

615-1030 (408)